

دوبیتی ایرانی

خانم نرگس جهان*

ترانه یا رباعی یکی از برجسته‌ترین قالبهای شعر فارسی است. رباعیات حکیم خیام نیشابوری دارای این قالب شعر است که در جهان شهرت یافته است. فن رباعی، مخصوص به شعر ایرانی است که شاعران بزرگ زبانهای دیگر نیز از آنها تقلید کرده‌اند. حتی شاعران عرب با عنوان الدوبیت (دوبیتی) به تقلید از شاعران فارسی زبان، آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

صاحب المعجم می‌گوید:

”به حکم آن که بنای آن بر دوبیت بیش نیست، باید که ترکیب اجزای آن درست و قوافی متمکن و الفاظ عذب و معانی لطیف باشد“^۱

ایرانیها وزن رباعی را از عروض عربی استخراج کرده‌اند. شمس قیس در این زمینه، حکایتی جالب به روذکی منسوب می‌کند و در وصف رباعی می‌گوید:

”خاص و عام مفتون این نوع شده‌اند، عالم و عامی مشغوف این شعر گشته، زاهد و فاسق را در آن نصیب، صالح و طالح را بدان رغبت، کثر طبعانی که نظم از نثر نشناسند و از وزن و ضرب خبر ندارند به بهانه ترانه در رقص آیند، مرده دلانی که میان لحن موسیقار و نهیق حمار فرق نکنند و از لذت بانگ چنگ به هزار فرسنگ دور باشند، بر دوبیتی جان بدهند“^۲.

* - استاد فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۲- همان، ص ۱۱۴.

۱- المعجم، ص ۴۱۷.

باید گفت که اولین بار مضامین صوفیانه در قالب رباعی گفته شد و "رباعیها که به ابوسعید ابوالخیر منسوب اند، جزء نخستین شعرهای صوفیانه فارسی است"^۱.

پیریم ولی چو عشق دمساز آید
از زلف سیاه تو کمندی فکنیم
هنگام نشاط و طرب و ناز آید
بر گردن عمر رفته تا باز آید^۲

*

گر مرده بدم برآمده سالی بیست
گر دست به خاک بر نهی کاینجا کیست
تو پنداری که گورم از عشق تهیست
آواز آید که حال معشوقم چیست^۳
درباره وزن دویتی می‌گویند:

"وزن دویتی بیشتر مورد توجه شاعرانی بوده است که به لهجه محلی و زبان پهلوی شعر سروده‌اند و شیخ بهایی متوفی به سال ۱۰۳۰ هجری در کشکول از شیخ ابوالحسن خرقانی یک رباعی که به زبان پهلوی سروده شده است، نقل می‌کند^۴:

تا گور نشی، بات بتی یار به نو
آن را که میان بسته به زنار به نو
ور گورشی از بهر بتی، عار به نو
او را به میان عاشقان کار به نو^۵

نیز اظهار نظر می‌کنند:

"سه قالب از قالبهای شعر فارسی بیش از دیگر قالبها از تکلف به دور است و شاعر در آنها بهتر می‌تواند مقاصد خود را بیان کند. یکی از این قالبها رباعی است (دو قالب دیگر دویتی و مثنوی) است. این وزن به سبب کوتاهی دامنه شعر، شاعر بهتر می‌تواند آن را به انجام برساند. لیکن ریختن مفاهیم متعالی در آن نیز مهارت تمام می‌خواهد"^۶.

۱- رباعیات خیام، ص ۳۵.

۲- ترانه‌ها، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۲.

۴- رباعیات عمر خیام، ص ۳۵.

۵- همان، ص ۵۱.

۶- همان، ص ۳۳.

نیز:

"رباعی یا دویتی، در روزگار ساسانیان رواج داشت و بیشتر شاعران این عصر، آن را سروده‌اند و از رودکی و شهید بلخی و طاهر بن فضل رباعیهای زیبا و بسیار پخته و عمیق نقل شده است"^۱.

این جا چند رباعی از شاعران مشهور و معروف از دوره‌های مختلف برای نمونه نقل می‌شود:

طاهر بن فضل چغانی

یک شهر همی فسون و رنگ آمیزند
تا بر من و بر تو رستخیز انگیزند
با ما به حدیث عشق ما چه ستیزند
هر مرغی را به پای خویش آویزند^۲

عنصری

گفتم که: چرا چو ابر خون بارانم
گفت: از پی آنکه من گل خندانم
گفتم که: چرا بی تو چنین پژمانم
گفت: از پی آنکه تو تنی، من جانم^۳

مولوی

می‌آمد یار مست و تنها تنها
با نرگس یرخمار رعنا رعنا
جستم که یکی بوسه ستانم ز لبش
فریاد برآورد که یغما! یغما!^۴

کمال الدین اصفهانی

کارم همه ناله و خروشست امشب
نه صبر پدیدست و نه هوشست امشب
دوشم خوش بود ساعتی پنداری
کفاره خوشدلی دوشست امشب^۵

۱- رباعیات عمر خیام، ص ۳۴.

۲- ترانه‌ها، ص ۱۳.

۳- همان، ص ۱۷.

۴- همان، ص ۱۴۹.

۵- همان، ص ۱۶۹.

من بودم دوش و آن بت بنده نواز
از من همه لا به بود و از وی همه ناز
شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید
شب را چه گنّه، قصّه ما بود دراز^۱

عراقی

با آنکه خوش آید از تو ای یار، جفا
لیکن هرگز جفا نباشد چو وفا
با این همه راضی‌ام به دشنام از تو
از دوست چه دشنام، چه نفرین، چه دعا^۲

خیّام

این کوزه چو من عاشق زاری بودست
در بند سرزلف نگاری بودست
این دست که بر گردن او می‌بینی
دستی است که بر گردن یاری بودست^۳

عطار

خون دل من که هر دم افزون گردد
دریا دریا ز دیده بیرون گردد
آنکه که ز خاک تن من کوزه کنند
گر آب در آن کوزه کنی، خون گردد^۴

سید حسن غزنوی

می بر کف من نه که دلم پرتابست
وین عمر گریز پای چون سیما بست
بشتاب که آتش جوانی آبست
برخیز که بیداری دولت خوابست^۵

چنانکه قبلاً تذکر داده شده، لهجهٔ دوبیتی محلی، ساده و روان و لطیف و جذاب است و دوبیتی‌های بابا طاهر عریان همدانی دارای این خصوصیات است.

دربارهٔ وی این طور اظهار نظر می‌کنند که:

«لهجهٔ دوبیتی بابا، شاخه‌ای از زبان اوستاست که آنها را فهلویات می‌نامند. این لهجهٔ خاص از سوی وی گزینشی و اتفاقی نبوده بلکه آن پیر روشن ضمیر عمداً

این لهجه را برگزیده ناگوشه‌ای از میراث ارزندهٔ نیاکانش را حفظ کند».

عمده‌ترین خصوصیتی که از لابلای دوبیتی‌های او می‌توان یافت، سادگی دل و صفای باطن است و به خوبی می‌توان دریافت طاهر مردی است ساده دل و ساده انگار؛ اندک دقیق و نکته‌سنج که زیباترین جلوهٔ شخصیتی‌اش غلبه بر نفس سرکش اوست، تا حدّی که مردم صفت عریان را درست به همین منظور به دنبال نام او افزوده‌اند^۱. این جا دو دوبیتی برای نمونه نقل می‌شود:

به گلشن بی‌ته گل هرگز مرویا
وگر رویا، کسش هرگز مبویا
بی‌ته هرگز به خنده رو گشایه
رخش از خون دل هرگز مشویا^۲

*

بُود درد مو و درمونم از دوست
بُود وصل مو و هجرونم از دوست
اگر قصابم از تن واکره پوست
جدا هرگز نگردد جونم از دوست^۳

محمد علی فروغی دربارهٔ ترانه یا دوبیتی این طور اظهار نظر می‌کند که:

«مهمترین علوم برای انسان، معرفت بر احوال نوع بشر است... به زبان اروپایی‌ها «انثروپولوژی» و به زبان فارسی مردم‌شناسی است. یکی از شعب علوم مردم‌شناسی آن است که اروپاییان «فولکلور» می‌گویند و به فارسی اصطلاح آن توده‌شناسی است و این توده‌شناسی آگاهی از معلومات و ذوقیاتی است که از عوام و مردمان بی‌علوم و سواد بروز می‌کند»^۴.

از ادبیات فولکلور یعنی از ترانه‌ها، اشعار و آهنگها و نغمات و داستانها و افسانه‌ها و عقاید عامیانه و امثال آنها فواید بی‌شمار بدست می‌آید. نیز ذوق هر قوم و طایفه معلوم می‌گردد و از اصل و مبداء علوم و صنایع و ادبیات آنها، روابط اقوام و ملل و مناسبتها و

۱- دوبیتی‌های بابا طاهر عریان، تصحیح خط محمد صادق، ص ۶.

۲- همان، ص ۱۲.

۳- همان، ص ۱۸.

۴- نغمه‌هایی روستایی، ص ۹.

۱- ترانه‌ها، ص ۱۸۳.

۲- همان، ص ۱۹۷.

۳- همان، ص ۱۱۱.

۴- همان، ص ۱۴۱.

۵- همان، ص ۴۷.

مخالفت‌های آنها و اقتباس‌هایی که از یکدیگر کرده‌اند، اطلاعات می‌یابیم. این جا چند دوبیتی برای نمونه نقل می‌شود:

در قلعه که یار انداخت زیبا گلیم هشت و چار انداخت زیبا

به قربون دو انگشت بلورش چه تازی ور شکار انداخت زیبا^۱

گلیم - این جا کلمه گلیمی که هشت ذرع طول و چهار ذرع عرض و نقشه آن تازی و شکار است بکار گرفته شده، که آن را می‌بافتند.

خبر اومد که دشتستون بهاره زمین از خون احمد لاله زاره

خبر وه مادر پیرش رسونید که احمد یک تن و دشمن هزاره^۲

احمد خان دشتستانی است که در حمله انگلیسی‌ها در زمان ناصرالدین شاه به بندر

بوشهر جنگ کرد و کشته شد و مراشی او در جنوب و شرق ایران شهرت دارد.

عزیزم، یار جوانی، یار جوانی ندیدم چون تو در شیرین زبونی

ز دنیایی بغیر از عشقت ای دل قناعت کرده‌ام با پرک نونی^۳

پرک، مخفف پارک است که در پهلوی به معنی تکه و پاره است و در کرمان به معنی نصف استعمال می‌شود.

دلَم قفلست و قفلش وانمی‌شه

کلیدش گم شده، پیدا نمی‌شه

کلید آهنی با قفل رومی

به هر دل می‌زنم وانمی‌شه^۴

قفل رومی یکی از سه لحنه باربد است، نظامی گنجوی می‌سراید:

چه قفل رومی آوردی در آهنگ گشادی قفل گنج از روم و از زنگ^۵

*

۱- نغمه‌هایی روستایی. ص ۲۴.

۲- همان، ص ۶۲.

۳- همان، ص ۶۵.

۴- همان، ص ۱۶۶.

۵- همان.

خدا یا تاب رنجوری ندارم ز یارم طاقت دوری ندارم

ندونم این سفر کی می‌رسه سر که دیگر طاقت دوری ندارم^۱

*

به درون می‌روم لنگون لنگون برای دیدن اون روی گلگون

برای دیدن اون روی گلگون که خلقی شد چو زلفونش پریشون^۲

*

بگش با تیر غمزه خوار و زارم بکش نقش کمان پس بر مزارم

که تا هر شاهدهی داند که من هم شهید شیوه ابروی یارم

این دوبیتی خیلی قدیمی است؛ چرا که حکایت از آن زمانی می‌کند که هنوز اسلحه

جنگی، تیر و کمان بوده است^۳.

دوبیتی به عنوان لالایی‌ها هم سروده می‌شود؛ مثلاً:

لا لا گل باغ بهشتم برای بابایت نامه نوشتم

نوشتم نومه رود من عزیزه دو چشمونش شود روز سورمه‌ریزه^۴

دوبیتی زیر به لهجه مکران اشاره می‌کند:

نگارا بی‌وفائغ از تو شک نیست سگوره صد وفا هست از تو یک نیست

سگو حق نمک را می‌شناسه مگر در دست من حق نمک نیست^۵

"لهجه بختیاری یکی از لهجه‌های مهم زبان فارسی است. در بسیاری از الفاظ

شیرین و اصیل و همچنین اصطلاحات بومی و اصیل را توان یافت. ایلات و

عشایری که به این لهجه تکلم می‌کنند، تا درجه زیادی اصالت و سادگی زبان را

نگاهداری کرده‌اند"^۶.

۱- نغمه‌های روستایی ایران، ص ۱۷۳.

۲- همان، ص ۱۷۹.

۳- همان، ص ۱۹۲.

۴- همان، ص ۱۹۶.

۵- همان، ص ۲۲۰.

۶- همان، ص ۲۲۱.

بینی ز چه رو نزیده افتو
 یارم نو ایستاده از خو
 ابروی کج تو در همه خلق
 دادم مو نشون که هومه نو
 افتو - آفتاب؛ نو - خواب؛ هو - ها؛ مه - ماه.

ترجمه: می بینی هنوز آفتاب طلوع نکرده، برای اینکه یارم از خواب بر نخاسته است.

ابروی کج تو را به همه خلق نشان دادم که ها ببینید ماه نو را^۱

ادبیات فولکلور که سینه به سینه به دست ما می رسد، خیلی فراوان است و هیچ لهجه و شهر نیست که از این ادب خالی باشد.

مآخذ

- ۱- ترانه ها به انتخاب دکتر پرویز ناتل خانلری، انتشارات هیرمند، تهران.
- ۲- حکیم عمر خیّام، با مقدمه و تحقیق عزیزالله کاسب، براساس نسخه کمبریج، انتشارات رشیدی، تهران، نوروز خان بازار کاشفی.
- ۳- دوییتی های بابا طاهر عربان، تصحیح و خط محمد علی صادق، انتشارات ققنوس، خیابان انقلاب، بازارچه کتاب، ۱۳۶۷.
- ۴- نغمه های روستایی و محلی ایران، تألیف حسین کوهی کرمانی، دنیای کتاب ایران، ۱۳۶۸.
- ۵- هزار ترانه، ترانه های روستایی و محلی ایران، علی اصغر عبداللّهی، دنیای کتاب ایران، تهران، خیابان جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۱- نغمه های روستایی ایران، ص ۲۲۱.